



## ۳۳۰۰۶۰۷

آنچه طی هفته‌های اخیر توجهات را جلب کرده، اشارات مستقیم و غیرمستقیم مقامات روس به ضرورت محدودشدن حضور ایران در سوریه به‌ویژه در جنوب این کشور است. در مقاله حاضر به دلایل این موضع‌گیری می‌پردازیم.

### محدودشدن حضور ایران در سوریه؛ دلایل موضع‌گیری روسیه

همکاری ایران و روسیه در سوریه در واکنش به تهدید فوری ژئوپولیتیکی/امنیتی در این کشور شکل گرفته و چندان غیرمنتظره نیست که با تقلیل سطح تهدیدات سطح این روابط نیز کاهش یابد. این همکاری از اساس و از ابتدا عمل‌گرا و گزینشی بوده و طرفین به خوبی از اختلافات خود و محدودیت‌های این روابط آگاهی داشته و دارند؛ اما آنچه طی هفته‌های اخیر توجهات را جلب کرده، اشارات مستقیم و غیرمستقیم مقامات روس به ضرورت محدودشدن حضور ایران در سوریه به‌ویژه در جنوب این کشور است. در باب چرایی این موضع‌گیری می‌توان به سه دلیل اصلی اشاره کرد:

۱- به طبیعت بروز اختلاف بر سر تقسیم دستاوردهای پیروزی باز می‌گردد. دو کشور با صرف هزینه‌های مشخص و طی اقدام مشترک موفق به تثبیت نسبی اوضاع در سوریه به نفع خود شده و اکنون، بر دریافت سهم مشخص از پیروزی به ویژه افزایش سهم خود در مدیریت امور و آینده سوریه تأکید دارند. به طور طبیعی، اختلافاتی در این زمینه بروز می‌کند و پرواضح است که تهران ادعای مسکو در نقش برتر خود را نمی‌پذیرد. در عین حال، اختلاف در این خصوص نافی ادامه همکاری نیست.

۲- فشار اسرائیل و آمریکا به روسیه در مورد ایران است که تأثیرات خاص خود را داشته و دارد. نمونه این فشار در پرونده هسته‌ای و در مراودات تسلیحاتی مسکو با تهران از جمله سامانه‌های اس ۳۰۰ مشهود بوده و به حتم در سوریه نیز وجود داشته و خواهد داشت. در برخی گمانه‌زنی‌ها تأکید می‌شود که گویا پس از تثبیت نسبی اوضاع در سوریه و در فضای فشار بر ایران پس از خروج آمریکا از برجام، روسیه مایل است با کاربست فرصت‌طلبی راهبردی ارزش کارت ایران در مقابل واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن را بسنجد تا اگر «معامله بزرگی» در کار باشد، به آن مبادرت کند؛ اما تجربه روابط روسیه و آمریکا و عمق اختلافات فعلی آنها نشان می‌دهد که «معامله بزرگی» در کار نخواهد بود و در حال حاضر، اهمیت ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به‌راحتی قابل معامله نیست.

۳- مهم‌ترین نکته به دو اصل مهم سیاست خاورمیانه‌ای روسیه مربوط می‌شود که مسکو تأمین منافع بلندمدت خود در این منطقه و سوریه را در گرو اجرای آنها می‌داند. این دو اصل به‌هم مرتبط، موازنه قوا و سیاست چندبرداری هستند که

عدم مراعات آنها از سوی تهران می‌تواند اسباب اختلاف میان دو کشور باشد.

### منافع خاورمیانه‌ای مسکو و راه‌کارهای دستیابی

منابع و ابزارهای ناکافی روسیه در خاورمیانه از یک سو و منافع متنوع و متضاد آن در سوی دیگر به این کشور اجازه به‌کارگیری الگوی جریان‌ساز-مجاب‌کننده چون الگوی آمریکا را نمی‌دهد. در این شرایط، تأمین منافع مسکو بین دوگانه‌های ناهم‌جوری چون اسرائیل-سوریه، ترکیه-سوریه، اعراب-سوریه، حزب ا... و حماس-اسرائیل، ایران-اسرائیل، ایران-اعراب، اعراب-اسرائیل و بین موضوعات متناقضی چون ملاحظات سخت ژئوپولیتیکی و منافع نرم اقتصادی آسان نیست. راه‌کار مسکو برای حل این مشکل کاربست دو اصل موازنه و سیاست چندبرداری است که به باور کرملین بهتر از هر روش دیگری می‌تواند منافع آن را در این ترکیبات متناقض تأمین کند. روسیه با سیاست چندبرداری سطحی از روابط را با «همه طرف‌ها» برقرار کرده و به عنوان مثال، تأکید دارد که رابطه با ایران نباید مخل روابط آن با هیچ کشوری در منطقه از جمله اسرائیل و در مقابل، رابطه با اسرائیل نباید مخل روابط مسکو با هیچ کشوری از جمله تهران باشد.

کرملین از این طریق با حفظ فضای مانور میان بازیگران ناهمگونی چون ایران، اسرائیل، کشورهای عربی و ترکیه امکان تأمین همزمان مزیت‌های ژئوپولیتیکی در روابط با شرکا خود (ایران و سوریه) از یک سو و منافع اقتصادی و سیاسی در تعامل با متحدان غرب (اسرائیل، ترکیه و عربستان) در سوی دیگر را فراهم می‌کند. در همین چارچوب، روسیه حتی در اوج بحران سوریه نیز باب مذاکره با آمریکا و متحدان آن را نبست و در روابط با ایران نیز هیچ‌گاه جانب احتیاط را رها نکرد، از جمله از قرارگرفتن در مظان اتهام حمایت از «هلال شیعی» در برابر کشورهای سنی احتراز داشته است. با این ملاحظه، روسیه با منطقی متفاوت، اما همانند آمریکا معتقد به ضرورت وجود موازنه بین قدرت‌های خاورمیانه است و تصریح دارد که هیچ یک از آنها نباید به نحو «غیرمحاسبه‌شده‌ای» قدرتمند شود که بتواند بر موازنه منطقه‌ای اثر منفی بگذارد. چنین موازنه‌ای هم برای حفظ ثبات راهبردی در منطقه و هم برای عدم خدشه به سیاست چندبرداری روسیه ضرورت دارد.

از آنجا که حفظ این اصول ضامن منافع بلندمدت مسکو در منطقه است، اخلال در آنها چه از سوی متحدان غرب از جمله عربستان و اسرائیل (با فشار بر روابط روسیه با سوریه و ایران) و چه از سوی شرکا خود در منطقه (فشار تهران و دمشق بر روابط مسکو با اسرائیل و اعراب) را نمی‌پذیرد. نظر به اهمیت این اصول، مسکو برای اجرایی کردن آن‌ها همانند واشنگتن معتقد به اصل «مه‌ار» از جمله در مورد تهران نیز می‌باشد؛ چرا که به اعتقاد کرملین برخی اهداف و بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران می‌تواند دو اصل بازگفته و منافع مسکو در سوریه و خاورمیانه را مختل کند. البته، منظور کاربست تام اصل «مه‌ار» با اقدام مستقیم علیه تهران نیست، بلکه مسکو به روش‌های مختلفی این رویکرد را عملیاتی می‌کند.

چراغ سبز به اسرائیل برای حمله به مواضع ایران در سوریه یکی از راه‌کارهای روسیه برای اجرای اصل مهار و موازنه در مورد تهران است و نشان می‌دهد در این موضوع خاص موضع ایران را تهاجمی می‌داند. تعامل با آمریکا از جمله توافق این دو کشور و اردن در مورد جنوب سوریه راه‌کار دیگر روسیه به این منظور بوده است. اکنون نیز که با جدی شدن تقابل تهران و تل‌آویو در جولان، روسیه بیش از گذشته نگران اصل موازنه و سیاست چندبرداری خود شده، راه‌کار دیگری را در دستور قرار داده و آن کاهش سطح روابط با تهران در سوریه و فشار برای محدود کردن حضور آن در این کشور است. قابل تأمل اینکه روسیه از این طریق در واقع به دنبال مدیریت و ادامه روابط با ایران و نه قطع رابطه است. مسکو ادامه همکاری با ایران را منوط به مراعات دو اصل بازگفته از سوی تهران می‌داند و مایل است با مجاب کردن ایران به این امر روابط با آن را تداوم بخشد. البته که روسیه مایل به تداوم این رابطه است.

### نتیجه‌گیری

کرم‌لین از یک سو با در نظر داشت چالش ادامه‌دار با آمریکا همچنان بر استفاده از ظرفیت‌های ضد‌هژمونی ایران در منطقه تأکید دارد و در سوی دیگر، هنوز اوضاع در سوریه به حد کفایت به ثبات نرسیده و مسکو برای پیشبرد سیاست‌های خود شریک قابل‌اتکایی چون ایران ندارد. در سوریه تنها سطح تهدیدات ژئوپولتیکی/امنیتی کاهش یافته و این تهدیدات از بین نرفته‌اند. بر این پایه، همکاری تهران و مسکو در سوریه همچنان موضوعیت دارد و دو کشور به ظرفیت‌های یکدیگر برای حفظ دستاوردهای کنونی و پیشبرد سیاست آتی خود نیاز دارند. بر این اساس، در شرایط حاضر و در آینده قابل پیش‌بینی روسیه نمی‌تواند به راحتی ایران را در سوریه و خاورمیانه نادیده بگیرد.

در سوی دیگر، تهران نیز که زیر فشارهای خروج آمریکا از برجام قرار گرفته، به روسیه و ظرفیت‌های حمایتی آن نیاز دارد. با این ملاحظه، همکاری عمل‌گرا-گزینشی دو کشور به رغم برخی اختلافات ادامه خواهد داشت و موضع کرم‌لین در باب محدود شدن ایران در سوریه هرچند می‌تواند مصادف با کاهش سطح روابط باشد، اما به معنی تغییر بنیادین در روابط نیست. به این نکته نیز باید توجه داشت که از اظهارنظرات مقامات روس در مورد محدود شدن ایران در سوریه تا عملیاتی شدن این خواست راه زیاد است. ایران ابزارهای نفوذ خاص خود را در سوریه دارد و تأثیر روسیه بر این ابزارها چندان گسترده نیست. در عین حال، اهتمام روسیه به اصل موازنه و مهار در مورد ایران دلیل محکمی بر محدودیت‌ها و عدم امکان «راهبردی» شدن روابط تهران و مسکو است.